

# مقایسه آرای فریتهوف شووان و میرچا الیاده در باب هنر مقدس

روشنک حق‌بین\*

سیدجواد ظفرمند\*\*

تاریخ دریافت: ۹۶/۸/۳۰

تاریخ پذیرش: ۹۶/۱۱/۲۸

## چکیده

ماهیت امر قدسی و تجلی‌های آن در هنر از مواردی است که بسیاری از اندیشمندان عرصه دین و هنر به آن توجه کرده‌اند. در این میان سنت‌گرایان بیش از دیگران هنر را به ویژه در جوامع سنتی تجلی گاه قداست می‌دانند و کسانی از جمله فریتهوف شووان تحلیل‌های بسیاری با این رویکرد به هنر جوامع گوناگون داشته‌اند. الیاده نیز به عنوان پژوهشگر ادیان به هنر و رابطه آن با امر مقدس و دین توجه خاصی داشته است. پژوهش تطبیقی حاضر با استناد به منابع کتابخانه‌ای و تحلیل آن‌ها در پی آن بوده تا به مقایسه آرای این دو پژوهشگر تأثیرگذار در خصوص هنر مقدس بپردازد. با وجود اینکه شباهت‌هایی در تعریف ماهیت امر مقدس و کارکرد آن نزد سنت‌گرایی چون شووان و الیاده که به نوعی دیدگاه خاص خود را دارد دیده می‌شود اما روش تحلیل آن‌ها در بسط عقاید خود تفاوت‌های زیادی دارد. با این وجود نظرگاه‌های این دو در ارتباط با امر قدسی در هنر مدرن برجسته‌ترین محل اختلاف آنان است.

**کلیدواژه‌ها:** امر مقدس، هنر مقدس، فریتهوف شووان، میرچا الیاده

## مقدمه

از زمانیکه جورجیو وازرای<sup>۱</sup> ایتالیایی به شرح و تحلیل تاریخ هنر همت گماشت روش تاریخی در این عرصه سلطه داشت و بعدها نیز با تقسیم‌بندی هنر به سه دوره تاریخی توسط هگل<sup>۲</sup> این رویکرد مورد توجه بیشتری قرار گرفت. با این حال پس از طرح علم هرمنوتیک<sup>۳</sup> در فلسفه هنر اروپا اندیشمندانی در صدد تحلیل و تفسیر تاریخ هنر جوامع به این شیوه برآمدند. قصد آن‌ها فراتر رفتن از ظواهر و قالب‌های صوری هنر و توجه به اندیشه‌ای بود که در ورای اشکال هنری وجود داشت. در این بین مستشرقین سنت‌گرایی<sup>۴</sup> چون رنه گنون<sup>۵</sup> و پس از او فریتهوف شووان<sup>۶</sup> و سید حسین نصر<sup>۷</sup> به تفسیر هنرهای مشرق زمین و مسلمانان پرداختند. در کنار متفکرین سنت‌گرا کسانی همچون میرچا الیاده<sup>۸</sup> نیز در برخورد با تحلیل هنرها چنین رویکردی را در پیش گرفت با این تفاوت که تحلیل هرمنوتیک او بر اساس داده‌های به دقت گردآوری شده پدیدارشناسانه<sup>۹</sup> و گاه تاریخی قرار می‌گرفت. در نگاه اول برجسته‌ترین شباهت موجود بین نظریات شووان و الیاده را می‌توان نوع رویکرد به تاریخ هنر دانست. سؤالی که این پژوهش به دنبال پاسخگویی به آن است تعریف هنر مقدس<sup>۱۰</sup> از دید این دو پژوهشگر ادیان و سپس مقایسه نظریات ایشان با یکدیگر می‌باشد. برای دستیابی به این پاسخ پرسش دیگری که مطرح می‌شود ماهیت امر قدسی<sup>۱۱</sup> نزد شووان و الیاده است چرا که هنر مقدس به عنوان مظهر و نمادی از امر مقدس بوده و در تعاریف گوناگون از آن جلوه‌های متفاوتی می‌یابد.

در پژوهش‌هایی که تا کنون در ارتباط با هنر مقدس انجام شده اند تمرکز بر آرای سنت‌گرایان غلبه دارد و اندیشه‌های دین‌پژوهی چون الیاده که به تفصیل امر قدسی و تجلی‌های آن در هنر جوامع باستانی و سنتی و حتی رابطه امر مقدس با هنر مدرن را مورد مطالعه قرار داده کمتر مورد توجه قرار گرفته است. در این پژوهش تطبیقی-تحلیلی با استناد به منابع کتابخانه‌ای و مقالات فارسی و انگلیسی تلاش شده جنبه‌هایی از این موضوع گسترده روشن شود. در این راستا ابتدا شرایط فکری و فرهنگی که باعث شد روش تحلیل تاریخی هنرها و

تفسیر آن‌ها بر طبق اشکال هنری ناکافی به نظر رسیده و توجه به محتوای هنر جوامع بیشتر شود به اختصار بیان می‌شود. پس از آن در ارتباط با مکتب فکری و فلسفی سنت‌گرایی و پیوندی که شووان و نیز الیاده با اندیشه‌های سنت‌گرایی-که ریشه گرفته از حکمت خالده قرون وسطایی است- مطالبی بیان می‌شود و در نهایت با تمرکز بر نظریات شووان و الیاده در تعریف امر قدسی خصیصه‌های هنری که این دو پژوهشگر قدسی می‌دانند بررسی می‌شود.

## شرایط و بافتار

بی شک شرایط اجتماعی و فرهنگی که متفکران بزرگ در آن رشد می‌یابند بر عقاید و نظریاتشان تأثیر به‌سزایی دارد. قرن بیستم شاهد پیشرفت‌های فراوان در علوم مختلف و به ویژه فیزیک بود. همین اتفاق پیروان نهضت فلسفی پوزیتیویسم<sup>۱۲</sup> منطقی که در سال‌های پس از جنگ جهانی دوم غلبه داشت را بسیار تحت تأثیر قرار می‌داد. آن‌ها در صدد بودند دامنه علم را به تمام حوزه‌های حقیقت گسترش دهند و در نتیجه به تعالیم علم‌گرایانه و ضدمتافیزیک روی آوردند (میرزائی، ۱۳۸۸). این طرز فکر به تدریج در تمامی حوزه‌های علمی و پژوهشی رخنه کرد و تلاش شد پدیده‌هایی چون دین و هنر که تا مدت‌ها زاییده الهام و شهود به شمار می‌آمد نیز به عنوان محصول فیزیولوژی و اجتماع تفسیر شود. در تحلیل و تفسیر تاریخ هنرها نیز نگاه تاریخی حاکم می‌گوشید تا آنجا که ممکن است بر اساس عینیات و در نظر گرفتن شرایط اجتماعی هنرمند و زمانه او نظریه‌پردازی کرده و از تفسیر بپرهیزد. در چنین شرایطی کسانی چون رنه گنون که او را پیشکسوت سنت‌گرایان می‌دانند به محافل سری علوم خفیه گرویدند چرا که به لحاظ جامعه‌شناختی گرایش به علوم غریبه چهارچوبی برای طرد ایدئولوژی‌ها و نظام بورژوازی آن دوران شکل می‌داد زیرا بیشتر اعضای این گروه‌ها برای آگاهی از ارزش‌های معنوی اصیل به تمدن‌های کهن روی آوردند (الدمو، ۱۳۸۹: ۴۵). به این ترتیب غور پژوهشگران در گنجینه‌های حیات فکری شرق و تمدن‌های کهن و بدوی انسان غربی مدرن را که

می‌دانند (امامی‌جمعه، طالبی، ۱۳۹۱). سنت‌گرایان خود را قائل به حکمت خالده می‌دانند. اصطلاحی مدرن که نخستین بار در دوران رنسانس و سپس در نظرات لایب نیتز<sup>۱۸</sup> که در این رابطه وام‌دار آگوستینو استیو کو<sup>۱۹</sup> عالم الهیات قرن شانزدهم است پدیدار می‌شود اما در واقع ریشه‌های بسیار کهن‌تری دارد و می‌توان آن را در فلسفه نوافلاطونی، دین الفطره<sup>۲۰</sup> اسلام و ساناتانا دارما<sup>۲۱</sup> هندی پیگیری کرد (Fabbri, 2009).

### سنت‌گرایی و حکمت خالده

می‌توان این دو اصطلاح را معادل یکدیگر به کار برد، با این وجود گنون از به کار بردن واژه سنت‌گرایی خودداری کرده است زیرا امکان دارد تعلق به یک سنت خاص برساند در حالی که اساس متفاوتی خود را از دست داده است. از طرفی کسانی چون فریتهوف شووان و میراث داران او بیش از گنون و کوماراسوامی قائلان به حکمت خالده<sup>۲۲</sup> محسوب می‌شوند. با وجود اینکه در بین متفکرین فرانسوی گنون هنوز چهره شاخص این گروه است اما در دیگر نقاط اروپا کسی که پیام حکمت خالده را به تلفیقی نهایی رساند فریتهوف شووان است که فلسفه‌اش بر خلاف گنون حیثه‌هایی چون هنر و اخلاق را نیز در بر می‌گیرد (همان). در ایران پژوهشگران همواره گنون، شووان و پیروان اینان را سنت‌گرا خطاب کرده‌اند در حالی که ترجیح پژوهشگران اروپایی و آمریکایی به کار بردن اصطلاح حکمت خالده است. در این پژوهش نیز طبق رسم معمول از لفظ سنت‌گرا<sup>۲۳</sup> استفاده می‌شود.

### شووان و سنت‌گرایی

فریتهوف شووان از نسل دوم سنت‌گرایان است. آنگونه که کاترین شووان<sup>۲۴</sup> در مقدمه‌ای بر نوشته‌های گردآوری شده همسرش در مورد هنر می‌نویسد شووان خود در جوانی بهاگوداگیتا<sup>۲۵</sup> و فلسفه افلاطون را خوانده بود و نظریات گنون در واکنش به مدرنیته و نقد آن را مهر تأییدی بر عقاید خود می‌دانست. با این وجود شووان بعدها جنبه‌هایی از عقاید گنون خصوصاً ثنویت و جدایی همیشگی شرق و غرب و نظریاتش در ارتباط با مسیحیت

قرن‌ها بود از اسطوره و دین به دامن علم پناه برده بود با فضای تازه‌ای آشنا کرد. نشریه فرانسوی حجاب‌ایزیس که در اواخر قرن ۱۹ وابسته به مکتب تئوسوفی<sup>۱۳</sup> و علوم خفیه بود به تریبون سنت‌گرایان تبدیل شد و در سال ۱۹۳۷ به مطالعات سنتی تغییر نام داد و در انگلستان نوشته‌های سنت‌گرایان در فصلنامه اسلام منتشر می‌شد که در بردارنده مقالات مهمی از سنت‌گرایانی چون شووان است (الدمو، ۱۳۸۹ : ۱۳۷). ابتدایی‌ترین مراکز اصلی چشم‌انداز سنت‌گرایی فرانسه و انگلیس بودند چراکه رنه گنون و آناندا کوماراسوامی<sup>۱۴</sup> به علت وجود فضای مساعدین دو کشور در قبال افکار سنتی مقالات خود را به فرانسه و انگلیسی می‌نوشتند (کوئین، ۱۳۹۵ : ۵۶). در همین اثنا الیاده در سفر به هند و ادامه مطالعه تحقیقات خود در هندوستان دکتری خود را در باب یوگا نوشت (ستاری، ۱۳۹۰ : ۷). کتاب یوگا نقطه عطفی در عقاید الیاده به شمار می‌آید زیرا برای نخستین بار به اصطلاحاتی چون مقدس و نامقدس اشاره می‌کند (Olson, 1992: 3). در چنین شرایط تاریخی و فکری و با حضور چنین اندیشمندانی بود که غرب با موجی از نقد تجدد با نگاه به تمدن‌های کهن و سنتی مواجه گشت.

### سرچشمه‌های سنت‌گرایی

به نظر می‌رسد از آنجا که سنت‌گرایان به حقایقی ازلی و همگانی قائل هستند صحبت از سابقه تاریخی آن بی معنی باشد (امامی‌جمعه، طالبی، ۱۳۹۱). ملکیان در مقدمه ترجمه کتاب گوهر و صدف عرفان اسلامی (شووان، ۱۳۸۱) تصریح می‌کند که مکتب فکری سنت‌گرایی به وسیله رنه گنون عالم و حکیم فرانسوی، که پس از مسلمان شدن شیخ عبدالواحدیحیی نام گرفت، ایجاد شد و با کمک‌های آناندا کوماراسوامی موجودیت یافت. پس از این دو بسیاری از متفکران بزرگ مانند تیتوس بورکهارت،<sup>۱۵</sup> مارتین لینگز<sup>۱۶</sup>، ویلیام چیتیک<sup>۱۷</sup> و سید حسین نصر جذب اندیشه‌های اینان شدند. در میان متفکران سنت‌گرا، فریتهوف شووان از تأثیرگذارترین آن‌هاست که به خصوص بر اندیشه‌های سید حسین نصر مؤثر بوده و بسیاری عقاید نصر را شرح افکار شووان

اولیه را نقد کرد (Fabri, 2009).

اصل اساسی در نظریات شووان وحدت تمام ادیان و مذاهب بوده و معتقد است که با وجود اختلافات ظاهری که ادیان در تعالیم خود دارند در کنه خود دارای وحدت اند. از دیدگاه شووان حکمت خالده و متافیزیک تبلور این وحدت درونی ادیان است. او در کتاب رد پای دین خالده، حکمت خالده را علم اساسی و لایتغیر عالم می‌داند که فطری بودن آن باعث کلیت و عدم خطاپذیری‌اش می‌شود. او بیان می‌کند که لب تمام ادیان این دین متافیزیکی است (بینای مطلق، ۱۳۸۲). بنابراین از دید شووان حکمتی که هسته تعالیم ادیان مختلف را تشکیل می‌دهد و همواره وجود داشته و دگرگون نمی‌شود همان حکمت خالده است که در قالب سنت در جهان سنتی جاری است.

### الیاده و سنت‌گرایی

رابطه میرچا الیاده و سنت‌گرایان و تأثیری که از آنان در اندیشه‌های خود گرفته در بین پژوهشگران فارسی زبان تاکنون به درستی بررسی نشده است. بر اساس گفته‌های دکتر نصر اندیشه‌های الیاده از گنون و کوماراسوامی بسیار تأثیر پذیرفته است (Jahanbegloo, 2010: 51). یکی از عواملی که در شکل‌گیری اندیشه‌های الیاده مؤثر بوده خوانش او از عقاید سنت‌گرایان به ویژه

کوماراسوامی است که البته در مورد برخی موضوعات اساسی و نه تأثیری کلی صدق پیدا می‌کند (Spineto, 2001). با این وجود نمی‌توان الیاده را سنت‌گرا یا پیرو دین خالده دانست، زیرا تنها در برخی سطوح از حکمت خالده تأثیر گرفته و از آن برای اثبات نظریات خود سود جسته است (Fabri, 2009). الیاده به وسیله برداشتی که از نظریات سنت‌گرایان دریافت، از کاربرد نمادها در پژوهش‌های تاریخی - مذهبی آگاهی پیدا کرد علاوه بر این، دیگر موضوع کلیدی مباحث الیاده یعنی کهن الگوها نیز تا اندازه‌ای وام دار مطالعات سنت‌گرایان است (Spineto, 2001). برخی پژوهشگران به نقدهایی که الیاده و دیگر دانشگامیان بر بی‌توجهی سنت‌گرایان به شواهد تاریخی و واقعی اشاره کرده‌اند، هر چند الیاده از کوماراسوامی چنین انتقادی نمی‌کند و او را از دانشمندترین و مبتکرترین متفکران قرن می‌داند (Sedgwick, 2009: 112). در عین حال که الیاده با سنت‌گرایان بزرگی چون سید حسین نصر ارتباط فکری داشته و در پایان کتاب خود هنر اسرار آمیز که درباره کیمیاگری نوشته شده از ایشان برای همدلی‌ها و دیدگاه‌هایشان تشکر می‌کنند (الیاده، ۱۳۹۲ : ۲۰۷). وی تحت تأثیر افکار سنت‌گرایان خصوصاً کوماراسوامی بوده اما نظریات منحصر به فرد خود را تدوین کرده است و نمی‌توان او را پیرو مکتب فکری خاصی دانست.

جدول ۱: مقایسه منابع نظریات شووان و الیاده و ارتباط آنان با حکمت خالده (نگارندگان)

میرچا الیاده	فریتهوف شووان	منابع نظریات
تأثیرپذیری الیاده از گنون و کوماراسوامی نظریات او در مورد نماد و کهن الگوها ترکیبی از فلسفه آلمان، پدیدارشناسی، نگاه تاریخی، فلسفه نوکانتی و افکار مسیحی است.	از نسل دوم سنت‌گرایان تحت تأثیر افکار گنون	منابع نظریات
تنها در برخی از سطوح نظریات سنت‌گرایان و حکمت خالده را برای اثبات عقاید خود به کار برده از جمله کاربرد نمادها	حکمت خالده به عنوان تبلور وحدت درونی و هسته تمام ادیان می‌داند.	ارتباط با حکمت خالده

نظریات الیاده در ارتباط با نماد و کهن الگو در چارچوبی قرار می‌گیرد که همزمان ترکیبی از فلسفه آلمان، پدیدارشناسی، نگاه تاریخی ویلهلم دیلتای<sup>۲۶</sup>، فلسفه نوکانتی<sup>۲۷</sup> و افکار مسیحی کیرکگارد<sup>۲۸</sup> است (Spineto, 2001). منابع نظریات شووان و الیاده و ارتباط آنان با حکمت خالده به صورت مقایسه‌ای در جدول ۱ ارائه شده است.

### امر مقدس

الیاده به دلیل ناهمگونی امور قدسی تعریف و تحدید آن را دشوار می‌داند (Eliade, 1958). اما بیان می‌کند که می‌توان آن را منشأ اثر و سرچشمه حیات، برکت و فراوانی تلقی کرد (دهقان زاده، ۱۳۹۳). اینکه امر مقدس متضاد نامقدس است می‌تواند اولین تعریف از آن باشد (Eliade, 1987). بر خلاف الیاده شووان امر قدسی را همچون وجود و حقیقت از جمله اموری می‌داند که آشکارا واضحند و نیازی به توضیح ندارند اما دقیقاً به دلیل همین بدیهی بودن برای بسیاری غیر قابل فهم شده اند (Schoun, 1999). امر مقدس همواره به طریقی یکسر متفاوت از واقعیات طبیعی تجلی پیدا می‌کند (Eliade, 1987) و همین تفاوت چشمگیر باعث آگاهی انسان‌ها از آن می‌شود. امر مقدس به عنوان چیزی به کل متفاوت از دنیای ما و حقیقتی که به دنیای ما تعلق دارد در اشیائی که بخشی از زندگی طبیعی نامقدس هستند تجلی پیدا می‌کند (همان، ۱۱). الیاده این تجلی و ظهور مقدس در نامقدس را هیروفانی<sup>۲۹</sup> می‌نامد و تاریخ ادیان را مجموعه‌این تجلی‌های گوناگون امر مقدس می‌داند (زرروانی، ۱۳۸۲)؛ همانگونه که شووان نیز احساس امر قدسی را برای هر تمدنی اساسی می‌داند (علیزاده، قائمی‌نیک، ۱۳۹۱).

ظهور و تجلی مقدس در نامقدس به نوعی در تعاریف شووان از امر قدسی نیز دیده می‌شود. او امر قدسی را اینگونه تعریف می‌کند: «امر قدسی عبارت است از ملاحظه نامخلوق در مخلوق، لازمان در زمان، نامتناهی در مکان، فوق صورت‌ها در صورت‌ها. امر قدسی همان ورود اسرارآمیز یک حضور در مرتبه‌ای از مراتب هستی است، حضوری که در واقع محیط بر آن مرتبه و متعالی

از آن است و می‌تواند در قالب نوعی انفجار الهی تکه پاره‌اش کند. امر قدسی امری قیاس ناپذیر متعالی مکنون در دل یک صورت شکننده متعلق به این عالم است (رحمتی، ۱۳۹۴). صفاتی چون نامخلوق، لازمان، نامتناهی و فوق صور همانگونه که الیاده بیان می‌کند مفاهیمی به کل متفاوت از دنیای ما هستند که در قالب‌های فناپذیر این جهانی تجلی پیدا می‌کنند. آشکارگی امر مقدس در اشیاء آن‌ها را به چیزی دیگر تبدیل می‌کند در حالی که هنوز همان شیئی‌ای که بودند، هستند (Eliade, 1987: 12). قدرتی که قداست از آن برخوردار است می‌تواند با تجلی در هر چیز طبیعی دنیای ما ماهیت آن را تغییر دهد یا طبق گفته شووان در هم شکند و منفجر سازد.<sup>۳۰</sup>

شووان امر مقدس را حضور مرکز در پیرامون می‌داند (Schoun, 1963: 48). امر مقدس تجسم اصل و مرکز الهی در گیتی و دخالت «محرک بی حرکت» در جریان امور است (Schoun, 2007). در بخشی از کتاب مقدس و نامقدس (Eliade, 1957: 20) الیاده نیز در ادامه بحث از دو گونه زندگی مقدس و نامقدس فضاهای مقدسی را توصیف می‌کند که زندگی انسان دین ورز را تقدس می‌بخشند. او معتقد است در تمامی جوامع سنتی نمادپردازی مرکز عالم که این فضاهای مقدس در آن نقطه وجود دارند دیده می‌شود (Eliade, 1987: 37). به عبارتی الیاده نیز همانند شووان تصور می‌کند که امر قدسی از نقطه‌ای مرکزی در عالم منتشر می‌شود. امر مقدس هسته‌ای مرکزی در شکل‌دهی جهان مقدس انسان سنتی در بیان سنت‌گرایان یا انسان دین ورز در بیان الیاده است.

شووان در مقام یک عالم متافیزیک امر مقدس را به گونه‌ای صراحتاً معنوی تعریف می‌کند: «امر مقدس آن است که پیش از هرچه به نظمی متعالی وابسته باشد، ماهیتی یقینی داشته و در نهایت اینکه در فهم ذهنیت معمول انسان ننگجد» (Schoun, 1963: 48). در این تحلیل شووان از امر قدسی تنها آن چیزی که از قلمرو فیزیکی و مادی تعالی می‌یابد، مطلق و تغییرناپذیر و فراتر از آگاهی معمول بشر است می‌تواند امر مقدس نام گیرد (Berlinger, 2000). الیاده اظهار می‌دارد هر

پدیده‌ای طبیعی است نامقدس است. در نتیجه طبق دیالکتیک مقدس در واقع هر چیزی هر چه باشد به شکلی تناقض‌آمیز می‌تواند تجلی‌گاه امر مقدس شود (الیاده، ۱۳۹۳).

الیاده با توجه به دیالکتیک امر قدسی از درک این امر و چگونگی انتخاب طریق زندگی مقدس به وسیله انسان دین‌ورز سخن می‌گوید. الیاده معتقد است دیالکتیک مقدس انسان را در بحرانی برای انتخاب دو نظام وجودی متفاوت قرار می‌دهد که در یک سوی آن امر مقدس که متعالی و نامحدود و مطلق است و در سوی دیگر دنیای طبیعی که نامقدس و جزئی و محدود است وجود دارد، آرزو و اشتیاق انسان به وضعیت پیش از هبوط است که باعث می‌شود مقدس را بر نامقدس ترجیح دهد، زیرا این راه او را به تعالی می‌رساند. از نظر او موضوع تجربه دینی، امر قدسی و دین پاسخ مناسب انسان دین‌ورز به امر مقدس است. دینی که ضرورتاً پرستش خدا یا خدایان نیست بلکه به تجربه مقدس باز می‌گردد (زرروانی، ۱۳۸۲). در نظر سنت‌گرایان از جمله شووان که مبحث اصلی وحدت درونی ادیان را مطرح و هسته همه ادیان بزرگ را همان حکمت خالده یا سنت می‌داند نیز چنین تعریفی از امر قدسی بیان می‌شود. در بیان سنت‌گرایان دین مأمّن امر قدسی‌ای است که سرآغاز ادیان و فرجام اهل طریقت می‌باشد (علیزاده، قائمی‌نیک، ۱۳۹۲).

با وجود تمام شباهت‌هایی که ممکن است در تعریف امر مقدس در دیدگاه‌های شووان و الیاده باشد، چگونگی درک مقدس یا امر قدسی از تفاوت‌هایی برخوردار است. برای سنت‌گرایان درک امر قدسی نیازمند تحول وجودی انسان به سوی خداست که با عنایات و کمک خود خدا ممکن می‌شود و عقل شهودی را توان رسیدن به این مرتبه است نه عقل استدلالی (همان). به همین دلیل است که شووان به فلسفه اعتقادی ندارد و متافیزیک یا مابعدالطبیعه را روش درست دستیابی به حکمت می‌داند. او می‌گوید: برای درک محسوس این تجسم فهمیدن تقدس و بدان وسیله حس درونی ستایش ایمان و تسلیم ضرورت دارد (Schoun, 2007). در برابر او الیاده با سود بردن از مدارک و اسناد دینی روشی تجربی

تجربه‌ای که بتواند انسان را از هویت جزئی و این جهانی‌اش خارج ساخته و او را به عالمی کاملاً متفاوت و برتر از عالم مادی فراخواند و سوق دهد تجربه‌ای دینی است و بی آنکه از واژه مقدس اسمی ببرد نقش دین یا امر قدسی که جان مایه آن است را در دگرگونی حیات محدود، دنیوی و جزئی انسان به حیاتی متعالی و معنوی بیان می‌کند (زرروانی، ۱۳۸۲). شووان نیز هم نظر با الیاده مقدس را امری کلی می‌داند که با تجلی آن بر انسان او را از امور جزئی و این جهانی نجات داده و به حقیقتی فراتر که پایدار و همیشگی است سوق می‌دهد «امر مقدس کیفیتی از امر مطلق را به امور نسبی وارد می‌کند و فناپذیری زندگی را شالوده‌ای از جاودانگی می‌بخشد» (Schoun, 1963: 48).

شووان امر قدسی را دارای دو جنبه متضاد می‌داند که در حقیقت نشان دهنده فراگیری و کلیت امر قدسی است، اینکه در عین حال هم مهیب و هم لطیف است. «امر قدسی قواعد دقیق، مهابت و فعل رحمت‌آمیز خاص خود را داراست. به علاوه هرگونه تخطی از امر قدسی حتی در عرصه هنر پیامدهای بی حساب دارد. امر قدسی ذاتاً تخطی ناپذیر است چندان که هرگونه تلاشی برای تخطی از آن به زیان تخطی کننده تمام می‌شود» (رحمتی، ۱۳۹۴). امر قدسی دارای جنبه‌هایی از خشونت، شکست‌ناپذیری و تخلف‌ناپذیری و نیز جنبه‌هایی از لطافت، آرامش و رحمت است (Schoun, 1982). درک تقدس آگاهی از وجودی است که نمی‌تواند وجود نداشته باشد و دوری بی اندازه و نزدیکی معجزه آسای او به خود را همزمان تجربه می‌کنیم (Schoun, 2007). تناقض امر مقدس در نظریات الیاده به صورت دیالکتیک مقدس و نامقدس بیان می‌شود. حتی ابتدایی‌ترین جلوه‌های امر قدسی نیز نشان دهنده ارتباطی تعارض‌آمیز بین قطب‌های متضاد و هر «هیروفانی» هم زیستی دو ذات مخالف مینوی و دنیوی است (زرروانی، ۱۳۸۲). مقصود الیاده از دیالکتیک مقدس همجواری آن با نامقدس است و اینکه همواره خود را از طریق اشیاء، اسطوره‌ها و نمادهایی متجلی می‌کند که در تناقض با آن هستند (Olson, 1992). به این معنا که هر هیروفانی به دلیل آنکه جلوه‌گاه مقدس است تقدس دارد و چون



جدول ۲: مقایسه آرای شووان و الیاده در رابطه با امر مقدس (نگارندگان)

فریتهوف شووان	میرچا الیاده	
<p>- به دلیل ناهمگونی امور قدسی تعریف را دشوار می‌داند. - مقدس متضاد نامقدس است.</p>	<p>- همچون حقیقت، مقدس را واضح و بدون نیاز به توضیح می‌داند که به همین دلیل غیر قابل فهم شده‌اند. - تعریفی صراحتاً معنوی از قداست و فراتر از آگاهی بشر</p>	تعریف
<p>- امور قدسی سرچشمه حیات، برکت و فراوانی‌اند.</p>	<p>- درک امر قدسی برای هر تمدن اساسی است.</p>	اهمیت
<p>- یکسر متمایز از واقعیات طبیعی - امر مقدس در نقطه‌ای مرکزی از عالم منتشر می‌شود. - تجربه‌ای که انسان را از زندگی جزئی فراتر برد مقدس است.</p>	<p>- امر قدسی نامخلوق، لازمان و فوق‌صور است که متجلی می‌شود. - قدرت قداست می‌تواند اشیای طبیعی را تغییر دهد. - امر مقدس تجسم اصل و مرکز الهی در جریان امور است. - دارای دو جنبه متضاد که نشان دهنده کلیت آن است.</p>	ویژگی‌ها
<p>- استناد به مدارک و اسناد دینی - عدم ارزش‌گذاری پدیده دینی تنها به عنوان حقیقتی متعال</p>	<p>- درک مقدس از طریق تحول وجودی انسان و عنایات خدا - عدم اعتقاد به فلسفه و استدلال در عوض یاری از شهود</p>	روش درک

شووان هنر را به دو گونه هنر سنتی و هنر ناسوتی<sup>۳۱</sup> تقسیم می‌کند. او هنر ناسوتی را هنری مذهبی ولی فاقد زبان رمزی و هنر قدسی یا سنی را هنری می‌داند که به شکل مستقیم با آیین‌های یک مذهب یا سنت در ارتباط است (رحمتی، ۱۳۹۴) و تمثال مریم عذرا و مسیح کودک که با الهام به لوقای قدیس کشیده شد یا مسجحه شیوای رقصان و نقش برجسته‌های تمثال بودا را مثال می‌زند (Schoun, 2007). الیاده به بیانی دیگر بین هنرهای مقدس و نامقدس تفاوت می‌نهد. او اظهار می‌دارد که در برخی فعالیت‌ها قداست ضمنی و تلویحی است در حالی که برخی آثار هنری به طور مشخص برای تأمل و مراقبه بر نیرویی مقدس ایجاد شده‌اند (الیاده، ۱۳۹۳). چنین به نظر می‌رسد که شووان بر خلاف الیاده ذاتاً هنر را مقدس نمی‌انگارد حتی هنری که به بیان

و توصیفی در پی می‌گیرد و مدعی این نیست که ارزش پدیده دینی تنها از طریق فهم آن به عنوان حقیقتی متعال ممکن است (زرروانی، ۱۳۸۲). مقایسه آرای شووان و الیاده در رابطه با امر مقدس در جدول ۲ نشان داده شده است.

### هنر مقدس

با وجودیکه نه الیاده و نه شووان اثر مستقل و منسجمی در مورد زیبایی و هنر ننگاشته‌اند اما در پژوهش‌های گسترده خود در ارتباط با ادیان و مذاهب گوناگون از مظاهر هنری تمدن‌های مختلف به ویژه تمدن‌های باستانی و شرقی نمونه‌های زیادی را بیان می‌کنند. الیاده معتقد است هنر به طور کلی و ذاتاً در ابتدا مقدس یا قدسی بوده است (الیاده، ۱۳۹۳). اما

جدول ۳: مقایسه آرای شووان و الیاده در رابطه با هنر مقدس (نگارندگان)

میرچا الیاده	فریتهوف شووان	
هنر را ذاتاً قدسی می‌داند.	هنر را به دو گونه سنتی و ناسوتی تقسیم می‌کند که اولی دارای زبان رمزی است ولی دومی نه.	تقسیم‌بندی هنرها
هنر مقدس نمایش آنچه نامرئی است به وسیله اشیاء آشکار می‌باشد.	تعریف او از هنر به درکش از زیبایی بر می‌گردد که تحت تأثیر افلاطون است.	تعریف
هدف هنر مقدس تجلی تقدس یا هیروفانی است.	هدف هنر مقدس آموزش است.	هدف
برای پژوهش در باب قداست به نمادها و اساطیر ملل پرداخته است.	اعتقاد محکمی به نمادین بودن هنر دارد.	نوع بیان

دارد. او عقیده دارد اگرچه تقلید از طبیعت برای انسان طبیعی است اما تقلید تمام و کمال آنچنان که در هنر طبیعت‌گرایانه دیده می‌شود نه تنها حق انسان نیست بلکه گناه هم محسوب می‌شود. زیرا وعده چیزی را می‌دهد که از حد توان او خارج است (رحمتی، ۱۳۹۴). اهمیت نهادن به نماد و استفاده از بیان نمادپردازانه در اندیشه الیاده نیز برجسته است. او برای پژوهش در باب زبان و بیان قداست به نمادها و تصاویر خیالی و اسطوره‌ای فرهنگ‌های مختلفی پرداخته است (جعفری، ۱۳۸۷).

تعلیم و آموزش نخستین هدف هنر مقدس است حال یا برای استفاده فردی بی‌سواد و یا برعکس بیان اصول متافیزیکی و عرفانی به وسیله نمادها. اما باعث نمی‌شود این‌ها دو هدف جدا تلقی شوند. هدف هنر مقدس بیان نوعی نمادپردازی ساده یا پیچیده است و چون زبان آن به ناچار صوری است همزمان با این کار، تأثیری از زیبایی و از این رو انبساطی شادی‌بخش را نیز منتقل می‌کند. اگر هدف غایی هنر مقدس هماهنگی محسوس بود به خودسرانگی، خودرانی و بن‌بست بی‌حاصلی که طبیعت‌گرایی است دچار می‌شد (Schoun, 2007). بر طبق مطالب فوق شووان هدف هنر مقدس را آموزش آیین از طریق نمادپردازی می‌داند. اما نزد الیاده هدف هنر مقدس تجلی امر مقدس و همان هیروفانی

حوادث یا اتفاقات مذهبی پرداخته اما به شیوه‌ای انسان‌گرایانه و نه نمادپردازانه چنان که برای مثال از دوران رنسانس به بعد در هنر دیده می‌شود.

تعریف شووان از آنچه هنر شمرده می‌شود مستقیماً به درک او از زیبایی بازمی‌گردد. تأثیرپذیری او از افلاطون در تعریفی که از زیبایی دارد در بیشتر نوشته‌هایش دیده می‌شود (بینای مطلق، ۱۳۸۲). او زیبایی را موجبی می‌داند برای یادآوری عالم معنا آنگونه که در بیان افلاطون آمده است. به نظر می‌رسد که شووان نیز همچون افلاطون زیبایی هنری را در مرتبه‌ای فرودست تر از زیبایی طبیعی قرار می‌دهد و با تمام اهمیتی که برای هنر قدسی قائل است آن را جلوه کامل حقیقت در این دنیا نمی‌داند. این حقیقت که شاهکارهای هنر مقدس جلوه‌هایی والا از روح هستند نباید باعث فراموشی این نکته شود که از نقطه نظر همان روح چنین آثاری پیش از این در صورت‌های خارجی وزین تری به عنوان موهبت در جهان پدیدار شده‌اند (Schoun, 2007). از نظر الیاده مقصود هنر مقدس به خصوص در جوامع و تمدن‌های پیشرفته تر نمایش آنچه نامرئی و غیر قابل بیان است به وسیله چیزهای مرئی و آشکار می‌باشد (الیاده، ۱۳۹۳). شووان نیز کارکرد هنر مقدس را بیان نمادین و روحانی فراواقعیت می‌داند (Schoun, 2007). شووان اعتقاد محکمی به اصل نمادین بودن هنر



ضد آن هستند و نواقصش را با کیفیات خاص خود برطرف می‌کنند - را صرفاً پدیده‌های هنری تصادفی می‌داند، همانگونه که آشوب و اتفاقی بودن از ویژگی‌های دوران مدرن است (همان).

شووان به ویژه با سبک سوررئالیسم مخالفت شدیدی دارد. وی معتقد است که سوررئالیسم همچون بدنی که از حیات تهی شده هنر را از هنر خالی کرده است و روحیه هنر آکادمیک که با ظهور امپرسیونیسم بی اعتبار شده بود دوباره در سوررئالیسم حیاتی تازه یافت (همان). شووان اشکال غریب هنر سوررئالیستی را ماجراجویی‌هایی مخالف با اصول هنر می‌داند که در تضاد با الگوهای کیهانی در انواع هنرهاست. آنچه هواداران گرایش‌های سوررئالیستی هنر نمی‌دانند یا فراموش می‌کنند این است که سلسله مراتبی از ارزش‌های کیهانی اشکال را در نقاشی، مجسمه سازی یا معماری یا هر رسانه دیگر به وجود می‌آورند و درستی یا نادرستی‌ها را ترجمه می‌کنند و بنابراین جایی برای ماجراجویی نمی‌ماند (همان). او همچنین شیوه الهام اشکال سوررئالیستی از پدیده‌های روانی انسان را نادرست و موجب تباهی می‌داند. کارآمدی روانی اشکال اگرچه زمانی که درست‌اند بسیار سودمند است اما در غیراین صورت کشنده خواهند بود (همان). سید حسین نصر که برجسته ترین پیرو و شارح عقاید شووان است نیز در راستای همین مخالفت با هنر سوررئالیستی آن را نه فراواقع‌گرایی بلکه فرو واقع‌گرایی می‌داند چرا که با مرتبه‌ای مادون عالم صور سر و کار دارد و نه مافوق آن (رحمتی، ۱۳۹۴).

الیاده، بر خلاف نظر شووان که معتقد است در دنیای مدرن روح با چنین میزانی از آشکار شدگی به خوبی در مسیر مفقود شدن قرار دارد (Schoun, 2007)، به اینکه امر مقدس در دوران مدرن از بین رفته اعتقادی ندارد. او معتقد است قداست به گونه‌ای در اشکالی به ظاهر دنیوی پنهان و غیرقابل تشخیص شده است، زیرا دیگر مانند قرون وسطی با زبان دینی متعارف بیان نمی‌شود (الیاده، ۱۳۹۳). نکته‌ای که الیاده در اشاره به آن علت این پوشیدگی امر قدسی را روشن می‌کند عدم خودآگاهی هنرمند مدرن است. الیاده هنرمندان مدرن

است. الیاده نشان می‌دهد که بر اساس فهم انسان مذهبی، آفرینش هنری خلق دوباره جهان است (Stoleriu, 2014).

شووان اعتقاد محکمی به نمادین بودن هنر داشته و برای پژوهش در باب قداست به نمادها و اساطیر ملل پرداخته است. شووان سه دسته‌بندی از هنر مقدس به دست می‌دهد: اولین نوع هنر مقدس، سخت‌گیرانه و قوی‌ترین شکل آن است که بر طبق الهامات و دستورات مستقیم الهی ساخته می‌شود. نوع دوم از نظر او هنر مقدسی است که آفریده نبوغ هنری به خصوصی است. و نوع سوم هنر مقدسی است که با وجود غلبه داشتن جنبه‌های تزئینی و شخصی‌تر بودن قوانین و غایات هنر قدسی کاملاً رعایت شده است (Schoun, 2007). جمع‌بندی آرای شووان و الیاده در رابطه با هنر مقدس به صورت مقایسه‌ای در جدول ۳ ارائه شده است.

### امر قدسی و هنر مدرن

شاید متفاوت‌ترین مبحثی که الیاده و شووان در آن نظرات متفاوتی را بیان می‌کنند هنر مدرن باشد. شووان به از بین رفتن تدریجی هنر مقدس به عنوان مظهر امر قدسی در این جهان پس از دوران رنسانس معتقد است. هنر غیر سنتی آثار کلاسیک عهد باستان و اصول رنسانس را پذیرفت و این پذیرش که تا قرن ۱۹ ادامه یافت با واکنش در برابر روش‌های آکادمیک موجب پیدایش سبک‌های امپرسیونیسم و مشابه آن گردید. این واکنش‌ها سریعاً به انواع مختلفی از انحرافات هنری حال آستره یا سوررئال تجزیه شد (Schoun, 2007). او سبک‌های ظهور یافته پس از دوران قرون وسطی را همگی انحراف از اصول و معیارهای هنر برحق می‌داند. شووان هر چند وجود موارد استثناء در دوران رنسانس و پس از آن را می‌پذیرد با این حال اعتقاد دارد این آثار، اگرچه در آن‌ها عناصر مثبت اصول ناکار آمد و غلط را خنثی می‌کنند به هیچ وجه قادر به جبران زیان دیدگی‌های هنر سنتی نیستند. شووان که به شدت مخالف زیر پا گذاشتن قوانین شرعی و اصول هنر است، آثار پراکنده‌ای در دوران مدرن را - که اگر چه از شیوه معمول دوران خود تبعیت می‌کنند در معنایی وسیع‌تر

نمی‌داند بلکه آن را تلاشی برای دستیابی به امر قدسی می‌انگارد که نمایان‌گر دلتنگی و غم غربت انسان مدرن است. به همین جهت الیاده دو مشخصه هنر مدرن یعنی در هم شکستن اشکال و قالب‌های سنتی و شیفتگی به حالات ابتدایی و بی‌شکل را مستعد تفسیر دینی می‌داند (همان). در حالی که شووان یکی از خطاهای هنر مدرن را آشفته‌گی و سر در گمی بین مواد و مصالح هنر می‌داند (Nasr, 2005). اما همانگونه که گفته شد بروز این اشکال و عواطف در هنر مدرن نشان دهنده پابندی یا علاقه حتی ناخودآگاه هنرمند به ادیان شناخته شده‌ای مانند یهودیت یا مسیحیت نیست. الیاده این گونه تجلی قداست یعنی کشف تقدس در خود جوهر ماده در هنر مدرن را مشخصه مذهب کیهانی می‌داند که پیش از ظهور ادیان ابراهیمی سلطه داشته و هنوز در بعضی جوامع آسیایی و ابتدایی دیده می‌شود (همان).

بنابر این مشاهده می‌شود که الیاده و شووان با وجود آنکه از طریق روش‌های تحلیلی متفاوت نظرات تقریباً مشابهی در رابطه با تعریف امر قدسی و مظاهر و تجلیات آن در هنر مقدس به دست می‌دهند در این نکته که هنر مدرن می‌تواند دارای خصیصه قداست باشد یا نه اختلاف نظر دارند. شووان معتقد است در طول تاریخ هر چه امر قدسی بیشتر آشکار شود بیشتر در معرض نابودی قرار می‌گیرد (Schoun, 2007). الیاده چنین می‌اندیشد که امر مقدس هنوز هم با همان قدرتی که در میان جوامع سنتی و باستانی وجود داشت در هنرها وجود دارد اما مشهود و نمایان نبوده و فوراً قابل تشخیص نیست. شووان اشکال غریب سرچشمه گرفته از ناخودآگاه هنرمند را مخالف اصول هنر اصیل می‌داند و اینگونه بیان می‌کند که بی‌پروایی انسان مدرن برای آفرینش هنر از صفر و هیچ به انحرافات مادون انسانی چون سوررئالیسم ختم می‌شود (Oldmeadow, 2010 : 165). الیاده برخلاف شووان معتقد است هنرمند مدرن با پناه بردن به ذهن ناخودآگاه خود در جستجوی دین گم شده‌ای است که فراموش شده. او به همین دلیل مشخصه‌های مهم هنر مدرن مانند در هم شکستن فرم‌های سنتی و رو آوردن به اشکال ابتدایی را مستعد تفسیری دینی می‌داند و برای مثال آثار هنرمند



تصویر ۱. پیکره پرنده در فضا اثر کنستانتین برانکوزی مجسمه‌ساز رومانیایی (سایت موزه متروپولیتن، ۱ دی ۱۳۹۶)

را کسانی نمی‌داند که خجالت‌زده از دین مسیحی خویش عمداً محتوای قدسی و مذهبی آثارشان را پنهان می‌کنند، چراکه هنرمندان مدرنی هم بودند که صراحتاً نمادهای دینی را در آثار خود به کار می‌بردند. قداست پنهان در آثار مدرن به نوعی متفاوت از قداست مسیحی است که در قرون وسطی دیده می‌شود، یعنی آن‌ها دیگر هشیارانه و آگاهانه پیرو مذهب مشخصی نیستند (همان).

الیاده با روان‌شناسانی چون یونگ که هسته ناخودآگاه انسان را دینی می‌دانند اما نه لزوماً دینی مشخص می‌دانند هم‌صدا است. او ناخودآگاه را متشکل از تصاویر و تمایلاتی می‌داند که از امر قدسی مایه گرفته است. برای مثال، کیفیت برخورد هنرمند مدرن با مصالح کارش به گونه‌ای با تمایلات معنوی کهن و ابتدایی شباهت پیدا می‌کند که در تلاشی نومیدانه در صدد رهایی از ظاهر و سطح و نفوذ به هسته درونی ماده است مانند برخورد احترام آمیز و پرستش گرانه‌ای که برانکوزی<sup>۳۳</sup> با سنگ (تصویر ۱) دارد (همان). بنابراین الیاده بر خلاف شووان افعال بی‌پروا و جسورانه هنرمند مدرن و شیوه‌های نامتعارف او در استفاده از مواد و مصالح کار را نه تنها در تضاد با اصول و معیارهای هنر

در صورت کشف و دستیابی به آن می‌تواند زمینه‌های تعالی و رشد معنوی انسان را ایجاد کند. نمادپردازانه بودن هنر مقدس به عنوان پدیده‌ای که تجلی گاه امر قدسی است هم در دیدگاه‌های الیاده و هم شووان دیده می‌شود.

هنر مدرن برجسته‌ترین مبحثی است که الیاده و شووان در آن با یکدیگر اختلاف نظر دارند. شووان سبک‌های ظهوریافته پس از دوران قرون وسطی را همگی انحراف از اصول و معیارهای هنر برحق دانسته و معتقد است آشکارگی بیشتر امر قدسی آن را در معرض نابودی قرار می‌دهد. ولی الیاده حتی در دنیای مدرن نیز ردپای امر مقدس را در هنر باز می‌یابد. او بر خلاف شووان عقیده دارد که امر قدسی در هنر پس از رنسانس از میان نرفته بلکه پنهان و پوشیده در آثار هنری وجود دارد و برای کشف آن باید تلاش بیشتری به کار برد. در حالیکه شووان یکی از خطاهای هنر مدرن را آشفته‌گی و سردرگمی بین مواد و مصالح می‌داند، الیاده معتقد به تجلی قداست و امکان کشف تقدس در خود جوهر ماده به عنوان مشخصه‌ای از مذهب کهن کیهانی در هنر مدرن است.



تصویر ۲: من و دهکده اثر مارک شاگال (الیاده، ۱۳۹۳)

سورئالیست مارک شاگال<sup>۳۳</sup> را از آن جهت که تقدس حاضر در جهان و طبیعت را باز یافته‌اند با اهمیت می‌داند (الیاده، ۱۳۹۳)، در حالی که شووان همین خصیصه‌ها را عدول از هنر اصیل و در واقع انحرافی هنری تفسیر می‌کند.

### نتیجه‌گیری

میرچا الیاده و فریتهوف شووان در عین آنکه برای اثبات مدعاهای خود از شیوه‌های تحلیلی متفاوتی بهره می‌بردند منابع الهام یکسانی داشتند. تحت تأثیر حکمت خالده قرون وسطایی و اندیشه‌های شرقی بود که هر دو تفسیر متفاوتی از تاریخ هنر جهان به دست دادند که در تضاد با تاریخ هنر به شیوه تاریخی رایج در زمانشان بود. تأکید هر دو متفکر به فراتر رفتن از صورت اشکال هنری و توجه به باطن و کارکرد آیینی آن‌ها بود با این وجود الیاده در این مسیر به مستندات تاریخی و مردم شناسانه توجه بسیاری داشت در حالی که تمرکز شووان بر طریقت باطنی و تزکیه نفس بود. در تعریفی که این دو پژوهشگر ادیان از امر قدسی به دست می‌دهند شباهت‌های بسیاری وجود دارد، اینکه امر مقدس به کل از دنیایی که ما در آن زیست می‌کنیم متفاوت است اما

### پی‌نوشت‌ها

۱. Giorgio Vasari: از پیشگامان منریسم بود اما اهمیت او بیشتر به سبب نگارش کتاب زندگینامه نقاشان، مجسمه سازان و معماران است که نخستین تاریخ هنر اروپایی به شمار می‌آید. این کتاب نخستین بار در ۱۵۵۰ و سپس با تجدید نظر در ۱۵۶۸ منتشر شد.

2. Georg Wilhelm Friedrich Hegel

۳. Hermeneutics: واژه هرمنوتیک از ریشه یونانی «هرمنوین» و اسم «هرمینیا» به معنای تأویل کردن نظریه‌ای درباره فهم متون می‌باشد. قدیمی‌ترین تعریف از هرمنوتیک در برگیرنده قواعد و اصولی بود که برای تفسیر کتاب مقدس استفاده می‌شد. این اصطلاح در نزد فلاسفه به معنی تأویل و آشکار ساختن معنای متن فراسوی شرایط تاریخی، کشف معنای باطنی و لایه‌های درونی متن و ظاهر آن به کار می‌رود.

۴. Perennial Philosophy: خرد جاویدان یا حکمت خالده اصطلاحی در عرفان و فلسفه است که نخستین بار در غرب،

در پیدایش آن سهیم بوده‌اند. این مکتب علیه مابعدالطبیعه شورش همه جانبه‌ای را سامان داد و در واقع آن را یکسره به دور انداخت، اثبات پذیری تجربی را تنها معیار معناداری گزاره‌ها و قضایا دانست و بر این اساس گزاره‌های مابعدالطبیعی را به دلیل آنکه قابل اثبات تجربی نیست فاقد معنا برشمرد. پوزیتیویسم، اصالت تحصیل، تحصیل‌گرایی یا اثبات‌گرایی، به رغم داشتن ریشه‌های کهن شهرت خود را با نام پوزیتیویسم منطقی به دست آورده است و با همین نام دوره‌ای کوتاه از اندیشه فلسفی در مغرب زمین را به خود اختصاص داده است. این اصطلاح در قرن هجدهم توسط فیلسوف و جامعه‌شناس فرانسوی. آگوست کنت ساخته شده و به کار رفت. کنت بر این باور بود که جبری تاریخی بشریت را به سمتی خواهد برد که نگرش دینی و فلسفی از بین رفته و تنها شکل از اندیشه که باقی می‌ماند متعلق به اندیشه قطعی (positive) و تجربی علم است.

۱۳. مذهبی غیب‌گرایانه که در اواخر قرن ۱۹ به وسیله مهاجر روسی هلنا بلاواتسکی در ایالات متحده بنیاد گذاشته شد.

14. Ananda Kumaraswamy  
15. Titus Burckhardt  
16. Martin Lings  
17. William Chittick  
18. Leibniz  
19. Agostino Steuco  
۲۰. (Din al Fitrah Primordial relegion): طبق گفته‌های قرآن انسان تنها به واسطه شکل خلقتش قابلیت‌های شناختی دارد که شهودی‌اند و به حقیقت، زیبایی و نیکی تمایل دارند. در اسلام این درک ذاتی بخشی از طبیعت یا فطرت ازلی انسان است.

۲۱. Sanatana dharma: نام اصلی آنچه امروزه به عنوان آیین هندو می‌شناسیم.

22. Perennialist  
۲۳. توضیح فوق به این جهت لازم به نظر می‌آید زیرا در مقالات انگلیسی زبان از واژه Perennialist برای نامیدن کسانی چون شووان که ما سنت‌گرا می‌دانیم استفاده شده است و نگارنده ترجیح داده است همان لفظ معمول سنت‌گرا در بین پژوهشگران فارسی زبان را به کار برد.

24. Catherine Schuon  
۲۵. Bhagavadgita: بهاگوادگیتا که مختصراً گیتا نیز خوانده می‌شود کتاب مقدس آیین هندو شامل ۷۰۰ شعر به زبان سانسکریت و بخشی از مهابهاراتا حماسه منظوم هندیان است.

26. Wilhelm Dilthey

آن را آگوستینوس استویکوس در سال ۱۵۴۰ به کار برد و آن را لایبنیتس در نامه‌ای که در سال ۱۷۱۵ نوشت بر سر زبان‌ها انداخت. در آن نامه، لایبنیتس نوشت که وقتی سخن از دریایی حقیقت در نوشته‌های فیلسوفان یونان باستان و تفکیک نور از ظلمت می‌آورده، به خرد جاویدان علاقه‌مند بوده است. اما مدت‌ها واقعیت خرد جاویدان تحت‌الشعاع جریان رایج‌تر فلسفه غیردینی غرب که مبتنی بر نظریه تکامل تدریجی تفکر بشری و نزدیکی به حقیقت است، قرار گرفت. فقط در طی این قرن است که به برکت کشف مجدد سنت در غرب و شواهد حضور یک حقیقت فراطبیعی جاویدان و جهانی در بطن سنت‌های معتبر دینی، مفهوم کلیدی خرد جاویدان بار دیگر مطرح شد. خرد جاویدان همان سنت مقدس در دین هندو و حکمت لدنیه در اسلام است. در واقع خرد جاویدان، غیر از معنایی که فیلسوفان اروپایی پس از قرون وسطا از آن می‌فهمیده‌اند، در نوشته‌های رنه گنون، آناندا کوماراسوامی، فریتیوف شووان، تیتوس بورکهارت، مارتین لینگز و سید حسین نصر معنای اصیل خود را یافته‌است. شووان بیان می‌کند که حکمت خالده فلسفه به معنای متعارف آن نیست بلکه علمی است که دارای ویژگی‌هایی نظیر خطاناپذیری، تغییرناپذیری و فطری بودن است. روش این حکمت بر اساس عقل شهودی است که عام‌تر و جامع‌تر از عقل استدلالی است و آن را در بر می‌گیرد. از نگاه حکمت خالده معرفت تفسیری خاص دارد. معرفت در این نگاه صرفاً متعلق به موجودی عالی و برتر است و تنها موجودی که در مرتبه عالی‌تر قرار دارد می‌تواند موجودات مرتبه فروتر را بشناسد. در ایران اغلب برای اشاره به فیلسوفان قائل به حکمت خالده از لفظ سنتگرا استفاده می‌شود.

5. Rene Guenon  
6. Frithjof Schuon  
7. Seyed Hossein Nasr  
8. Mircea Eliade  
۹. Phenomenology: هر چند اصطلاح پدیدارشناسی از قرن هجدهم در میان فیلسوفانی چون کانت و در معنایی متفاوت به وسیله هگل به کار گرفته شده بود اما در قرن بیستم نمایانگر روش فلسفی ادmond هوسرل بنیان‌گذار پدیدارشناسی است که آن را روش مطالعه توصیفی و بدون پیش فرض درباره پدیدارها می‌داند.

10. Sacred art  
11. The Sacred  
۱۲. Positivism: پوزیتیویسم منطقی یکی از پرآوازه‌ترین مکتب‌های فلسفی سده اخیر است که صاحب‌نظران بسیاری



ش ۴، ص ۴۷-۷۴.  
دهقان‌زاده، سجاد. (۱۳۹۳)، «هستی‌شناسی قدسی در اساطیر»، پژوهش‌های ادیبانی، سال دوم، ش ۵، ص ۹۹-۱۱۴.  
زروانی، مجتبی. (۱۳۸۲)، «پدیدارشناسی دین و الیاده»، مقالات و بررسی‌ها، دفتر ۷۳، ص ۲۹-۴۱.  
رحمتی، انشالله. (۱۳۹۴)، هنر و معنویت، تهران: مؤسسه تألیف، ترجمه و نشر آثار هنری «متن» ستاری، جلال. (۱۳۹۰)، اسطوره و رمز در اندیشه میرچا الیاده، تهران: نشر مرکز.  
شووان، فریتیهوف. (۱۳۸۱). گوهر و صدف عرفان اسلامی، ترجمه مینو حجت با مقدمه مصطفی ملکیان. تهران: انتشارات سهروردی.  
علیزاده، بیوک؛ قائمی‌نیک، محمدرضا. (۱۳۹۱). «در جست و جوی امر قدسی: چپستی امر قدسی در میان سنت‌گرایان با تاکید بر آرای رنه گنون، فریتیهوف شووان و سید حسین نصر»، فصلنامه اندیشه دینی دانشگاه شیراز، دوره ۱۲، ش ۴، ص ۳۹-۶۴.  
کوئین، دلبیو، ویلیام. (۱۳۹۵)، یگانه سنت، ترجمه رحیم قاسمیان. تهران: انتشارات حکمت.  
میرزائی، رضا. (۱۳۸۸)، «پوزیتیویسم منطقی و انکار مابعدالطبیعه»، فصلنامه دانشکده ادبیات و علوم انسانی، سال چهارم، ش ۱۲ و ۱۳.

Badea, Gabriel. (2015). *Mircea Eliade and Art as a Spiritual Experience*. Romanian Cultural History.  
Beringer, Almut. (2000). *In Search of the Sacred: A conceptual analysis of spirituality*. Journal of Experiential Education, Vol. 23, No. 3, p157-65.  
Eliade, Mircea. (1957). *The Sacred and the Profane: The Nature of Religion*, translated from French: W.R. Trask, Harvest/HBJ Publishers.  
Eliade, Mircea. (1958). *Patterns in Comparative Religion*, translated: R. Sheed, London: Sheed and Ward.  
Fabbri, Renaud. (2009). *Introduction to the Perennialist School*. Religioperennis.org.  
Jahanbegloo, Ramin. (2010). *In search of the sacred; A conversation with Seyed Hossein Nasr on his life and thought*. California, Santa Barbara,

۲۷. Neokantianism: فلسفه نوکانتی احیای دوباره فلسفه امانوئل کانت است که بیشتر تحت تأثیر نقد فلسفه کانت توسط آرتور شوپنهاور در کتاب جهان به مثابه اراده و خواست قرار داشت.

## 28. Soren Kierkegaard

۲۹. Hierophany: عبارتی که الیاده برای تجلی امر قدس در مظاهر نامقدس به کار برد.

۳۰. همانطور که تجلی خداوند بر کوه طور آن زمان که حضرت موسی خواستار سخن گفتن با او شد در آیه ۱۴۳ سوره اعراف آمده است: «وَلَمَّا جَاءَ مُوسَى لِمِيقَاتِنَا وَكَلَّمَهُ رَبُّهُ قَالَ رَبِّ أَرِنِي أَنْظُرْ إِلَيْكَ قَالَ لَنْ تَرَانِي وَ لَكِنْ أَنْظُرْ إِلَى الْجَبَلِ فَإِنِ اسْتَقَرَّ مَكَانَهُ فَسَوْفَ تَرَانِي فَلَمَّا تَجَلَّى رَبُّهُ لِلْجَبَلِ جَعَلَهُ دَكًّا وَ خَرَّ مُوسَى صَعْقًا فَلَمَّا أَفَاقَ قَالَ سُبْحَانَكَ تُبْتُ إِلَيْكَ وَ أَنَا أَوَّلُ الْمُؤْمِنِينَ»

## 31. Profane art

## 32. Constantin Brâncuși

## 33. Marc Chagall

## کتابنامه

الدمدو، کنت. (۱۳۸۹)، سنت‌گرایی؛ دین در پرتو فلسفه جاویدان، ترجمه رضا کورنگ بهشتی. تهران: انتشارات حکمت.  
الیاده، میرچا. (۱۳۹۳)، تصاویر و نمادها، ترجمه محمدکاظم مهاجری، تهران: نشر پارسه.  
الیاده، میرچا. (۱۳۹۳)، نمادپردازی، امر قدسی و هنرها، ترجمه مانی صالحی علامه. تهران: انتشارات نیلوفر.  
الیاده، میرچا. (۱۳۹۲)، هنر اسرارآمیز. ترجمه مینا غرویوان. تهران: نشر پارسه.  
امامی‌جمعه، سیدمهدی؛ طالبی، زهرا. (۱۳۹۱)، «سنت و سنت‌گرایی از دیدگاه فریتیهوف شووان و سید حسین نصر»، الهیات تطبیقی، سال سوم، ش ۷، ص ۳۷-۵۶.  
بینای مطلق، سعید. (تابستان ۱۳۸۲)، «فریتیهوف شووان و معنای زیبایی»، مجموعه مقالات همایش نقد تجدد از دیدگاه سنت‌گرایان معاصر (اسفند ۱۳۸۰)، دانشگاه تهران، (صفحات ۱۰۵-۱۱۲)، تهران: انتشارات دانشگاه تهران و مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.  
جعفری، حسن. (۱۳۸۷)، «دین و اسطوره: بررسی فلسفی نظریه میرچا الیاده پیرامون اسطوره»، پژوهشنامه ادیان، سال دوم،





- Schuon, Frithjof. (1999). *Language of the self*. translated by Marco Pallis and Macheod Matheson. Bloomington (Indiana), World Wisdom Books.
- Schuon, Frithjof. (1963). *Understanding Islam*. UK. Allen & Unwin.
- Schuon, Frithjof. (2007). *Art from sacred to profane: East and west*, edited by Catherine Schuon, Bloomington (Indiana), World Wisdom Books.
- Spineto, Natale. ( 2001). *Micea Eliade and traditionalism*. Aries, Vol.1, Issue 1, p 62-87.
- Stoleriu, Adrian; Stoleriu, Irina-Andreea. (2014) . *A possible demarcation between religious art and sacred art*. European Journal of Science and Theology. Vol.10, No.5, 217-226.
- The Met. (nd). Bird in Space. [picture]. Retrived 2017, Dec. 22 from <https://www.metmuseum.org/art/collection/search/486757>.
- Praeger publication.
- Nasr, Seyed Hossein. (2005). *The essential Frithjof Schuon*. Bloomington (Indiana), World wisdom books.
- Oldmeadow, Harry. (2010). *Frithjof Schoun and the perennial philosophy*. Bloomington (Indiana), World wisdom books.
- Olson, Carl. (1992). *The theology an philosophy of Eliade:A search for the centre*. London, Macmillan Academic and Professional LTD.
- Sedgwick, Mark. (2009). *Against the Modern World: Traditionalism and the Secret Intellectual History of the Twentieth Century*. Oxford university press.
- Schuon , Frithjof . (1982) .*From divine to human: A New Translation with Selected Letters*. edited by Patrick Laude. Bloomington (Indiana), World Wisdom Books.